

یک عمر مبارزه

دینک که قربانی مبارزه‌اش با تجدیدنظرطلبی و بازنگری‌های دولت ترکیه شد، یکی از سرآمدان کارزار ارمنیان ترکیه برای به رسمیت شناخته شدن قتل‌عام‌های سال ۱۹۱۵ بود. به قتل رساندن او دلیل روشنی است بر دشواری راهی که در پیش گرفته بود و نداوم یافتن وضعیتی آزاردهنده در ترکیه؛ به رغم آنکه این حادثه نشان می‌دهد که نسل‌های جوان‌تر نیز به ملت‌گرایی افراطی و بی‌رحمانه گرویده و بدان آلوده شده‌اند، ولی اقدام سریع دولت ترکیه در شناسایی و بازداشت ضارب هراند دینک و همچنین حضور مقامات رسمی ترک در مراسم خاکسپاری هراند را می‌شود نشانه‌ی جدی بودن حرکتی دانست که در خود ترکیه برای مواجهه با «مسئله ارمنی» وجود دارد.

راه‌پیمایی آرام حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر برای مراسم خاکسپاری هراند دینک نشانه‌ای روشن است دال بر اینکه بخش قابل توجهی از مردم ترکیه به دفاع از آزادی پای بند و وفادارانند. همه افراد، گروه‌ها و دسته‌های شرکت‌کننده در این مراسم پلاکاردهایی در دست گرفته بودند که بر آن نوشته شده بود: " همه ما ارمنی هستیم. همه ما هراند دینک هستیم." انتخاب چنین شعاری در کشوری که در آن کماکان "ارمنی" گاه همچون توهین به کار می‌رود شگفتی برانگیز است.

رامین کریمیان

بر گرفته و ترجمه شده از:

www.reporterwithoutborders.com

مفتخو ۱۴۳

گردهمایی چپ در نیویورک

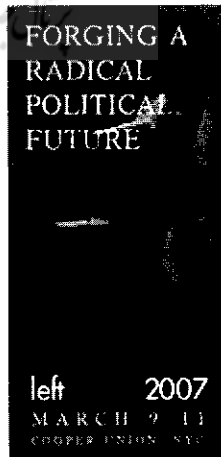
هر سال تعداد زیادی گردهم‌آبی علمی در آمریکا برگزار می‌شود که محملی هستند برای تبادل نظر، آشناسدن با تحقیقات دیگران، دیدار و آشنایی با کسانی که در زمینه‌های مشابه فعالیت می‌کنند و احياناً رد و بدل کردن ایمیل و شماره تلفن، خرید کتاب و مجله، و دید و بازدید با اهل علم و فرهنگ. تعداد مقالات ارائه‌شده در بعضی از این گردهم‌آبی‌ها مثل انجمن مردم شناسی آمریکا یا انجمن علوم سیاسی آمریکا سر به چهار پنج هزار می‌زند.



فوروم یا محفل چپ یکی از گردهم‌آبی‌های نسبتاً کوچک‌تر است که چند سالی است در نیویورک برگزار می‌شود. فوروم چپ از دل کنفرانس دانشگاهیان سوسیالیست بیرون آمد. کنفرانس دانشگاهیان سوسیالیست ۲۳ سال دوام آورد، آن‌هم در دورانی که نیروی چپ روزبه‌روز تحلیل می‌رفت و حتی نام سوسیالیسم خریداری نداشت تا آن که در سال ۲۰۰۵ هفت نفر از شانزده نفر اعضای هیئت مدیره کنفرانس دانشگاهیان سوسیالیست در اعتراض به فقدان دموکراسی در این تشکل از هیئت مدیره استعفا دادند و فوروم چپ را تشکیل دادند. این افراد خواستار آن بودند که این جمع محملی باشد برای فعالان و سازمان‌دهندگان چپ به معنای وسیع‌تر کلمه و نه فقط دانشگاهیان معتقد به سوسیالیسم، تا از این طریق دامنه و ترکیب شرکت‌کنندگان گسترده‌تر شود.

فوروم چپ امسال در روزهای ۹ و ۱۱ مارس در نیویورک برگزار شد، با بیش از صد جلسه و هزار و دویست شرکت‌کننده، و چهار رویداد فرهنگی نظیر نمایش و کتاب‌خوانی. هر روز چندین جلسه سخنرانی و گفتگو به صورت موازی در دو ساختمان کوپر یونیون در منهن برگزار می‌شد. تعداد شرکت‌کنندگان و همین‌طور شمار جوانان هر سال بیشتر می‌شود. دوست چهل و چند ساله‌ای می‌گفت که در سال ۲۰۰۲ در کنفرانس شرکت کرده بود و در هر جلسه‌ای که شرکت می‌کرد متوسط سنی جلسه چند سالی پایین می‌آمد. اما امسال وضع به گونه دیگری بود. جوان‌ها کم نبودند و گرچه اکثریت نداشتند، اکثر کسانی که جلسات را اداره می‌کردند یا غرفه‌ها را می‌چرخاندند یا کارهای روزمره را اداره می‌کردند بیست و چند ساله بودند. فعالان کارگری و سازمان‌دهندگان جنبش‌های اجتماعی در بعضی از جلسات حضور داشتند، اما هنوز شمار دانشگاهیان و مباحث نظری غلبه داشت.

سازمان‌دهی چنین جمع گسترده‌ای به کار داوطلبانه مدیران و گردانندگان زیادی بستگی دارد که ساعت‌های زیادی از وقت خود را صرف آن می‌کنند، و این در جامعه سرمایه‌داری امریکا حکایت از ریشه‌داری چپ می‌کند. طبق گزارش ارایه‌شده در ابتدای جلسه، هزینه مکان و تجهیزات بیش از هفتاد هزار دلار شده بود، که یک‌سوم آن از حق عضویت-



ها تأمین شده بود، و باقی از هدایای مالی اعضا و هواداران فوروم و تبلیغات کتاب و مجلات در نشریات فوروم.

آنچه هنوز به چپ معنا و مفهوم و نیرو می‌دهد بیش از هر چیز نارضایتی از وضع موجود جوامع بشری است، امکان و ضرورت تغییر آن، نارضایتی از اختلاف فزاینده طبقاتی، اختلاف سطح زندگی در سطوح ملی و فراملی، محو سریع طبقه متوسط و دستاوردهای آن نظیر بهداشت و آموزش ارزان، افزایش عدم امنیت شغلی، رواج تبعیض جنسی و نژادی، بیکاری گسترده، تخریب محیط‌زیست، و نقش-برآب شدن ناکجاآباد نئولیبرالی در سال‌های اخیر. اما چپ هنوز پاره‌پاره و فرقه‌فرقه است و دلایل آن هم یکی دو تا نیست. آنچه در اولین جلسه روشن شد عمق اختلاف‌نظرها بود، از فرم سازمانی مورد نیاز گرفته تا شکل جامعه آرمانی مورد نظر، از وضعیت فعلی سلامت یا بحران سرمایه‌داری گرفته تا آینده آن. استنلی هرویتز، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کیونی و یکی از گردانندگان اصلی فوروم، از ضرورت تشکیل حزبی فراگیر صحبت می‌کرد، در حالی که اکثریت شرکت‌کنندگان فوروم خود را چپ مستقل می‌دانند و به هیچ عنوانی حاضر نیستند عضویت هیچ حزبی را بپذیرند. کرنل وست، یکی از برجسته‌ترین روشنفکران آمریکا و استاد دین‌شناسی در دانشگاه‌های هاروارد و برینستون، در جلسه افتتاحیه گفت که حتی

اگر امروز دنیا را دودستی تقدیم ما کنند نمی‌دانیم چطور آن را اداره کنیم چون هیچ تصویری از اقتصاد و سازمان جامعه بدیل نداریم، حداکثر می‌گوییم شکلی از سرمایه‌داری با توجه بیشتر به بهداشت و خدمات عمومی. شاید خیلی از شرکت‌کنندگان با این نظر موافق نباشند، اما دست‌کم این را می‌توان گفت که توافقی بر سر شکل و شمایل جامعه بدیل سرمایه‌داری در میان چپ‌ها وجود ندارد.

همین تکرر و اختلاف نظر در جلسات هم مشهود بود. برای شماری از شرکت‌کنندگان هنوز مارکسیسم چارچوب اصلی تحلیل و فهم سرمایه‌داری محسوب می‌شد و بدیل وضع موجود، و برای بعضی مارکسیسم مدت‌هاست که مرده، عنوان‌هایی نظیر بازانديشي در مارکسیسم، مارکسیسم و پست‌مدرنیسم، مارکسیسم و آنارشیزم در میان جلسات کم نبود. بعضی از جلسات هم بوی کهنگی می‌داد، دعوا بر سر حقانیت تروتسکی، نقش استالین در به‌عقب‌راندن سوسیالیسم، و نظایر آن.

جلسات بسیار متنوع بود. بعضی به بحث-های نظری نظیر سرمایه مالی، پول، امپریالیسم و دولت اختصاص داشت، و بعضی به مشکلات جهان معاصر نظیر گرم‌شدن کره زمین و بحران اکولوژیک، مهاجرت، ایدز، فقر فزاینده، منابع، نفت، غذا عنوان تعدادی دیگر از جلسات بود. تعداد زیادی جلسه هم درباره شکل‌های جدید مبارزه و نقش گروه‌ها و

بازیگران مختلف در آن بود، جنبش‌های اجتماعی، فوروم اجتماعی، جنبش دانشجویان، جنبش زنان، نقش دانشگاه‌ها، خبرنگاران، بلاگرها و اینترنت، و نظایر آن. چند جلسه هم درباره فرم جامعه آینده و تجربیات غنی کشورهای امریکای لاتین در سال‌های اخیر بود.

یک جلسه به ایران و چندین جلسه به خاورمیانه اختصاص داشت که با توجه به جنگ امریکا و عراق و اسرائیل و لبنان و جنگ داخلی در فلسطین اشغالی جای تعجب ندارد. آنچه در این جلسات تکرار می‌شد اهمیت نفت و انرژی برای غرب و امریکا، نقش تخاصم امریکا و ایران در رفتار سیاسی امریکا در خاورمیانه، و ضعف چپ سکولار در منطقه بود. جلسه ایران چنگی به دل نمی‌زد، گرچه اتناق پر شده بود از شنوندگان مشتاق و پرسش‌های زیادی رد و بدل شد. تیم اودانل استاد فیزیک دانشگاه میشیگان سخنرانی‌اش در واقع درباره نفت بود و این که امریکا به خاطر اهمیت نفت هیچ رژیم‌ری را که حرف‌شنوی کامل از امریکا نداشته باشد در خاورمیانه تحمل نمی‌کند و دشمنی با ایران هم بر سر همین است، نه بر سر انرژی هسته‌ای یا حقوق بشر. رضا قریشی از همان جدال قدیمی سنت و مدرنیته سخن گفت و این که اکثریت مردم ایران هواخواه مدرنیته هستند، ولی حکومت نظر دیگری دارد. به عقیده قریشی حاکمان ایران نه بر پایه

منافع ملی و نه به منظور بقای سیاسی، بلکه بر اساس ارزش‌هایی که ریشه در سنت‌های کهن دارند تصمیم می‌گیرند و در این راه تا پای جان می‌روند. سخنرانی او با اعتراض شدید شنوندگان و انتقاد گرداننده جلسه مواجه شد. سخنران سوم، ایوان سیگل، به توصیف فرار و فرود رابطه ایران و اسرائیل از بدو پیدایش حکومت اسرائیل پرداخت. بهترین قسمت این جلسه، اعتراضات گرداننده جلسه بود به صحبت‌های سخنران‌ها و نشان‌دادن ضد و نقیض‌گویی‌های آنها.

از میان سخنرانان مشهوری که در ایران هم شناخته شده‌اند می‌توان از دیوید هاروی، محمود ممدانی، و میشل لویی اسم برد، و از میان ایرانیان از حمید دباشی. هاروی خلاصه-ای ارایه داد از کتاب اخیرش دربارهٔ نئولیبرالیسم و انباشت سرمایه از طریق غصب، سخنرانی فشرده و بسیار پرباری که به بیشترین بحث و پرسش‌ها دامن زد. میشل لوی هم دربارهٔ کج‌فهمی‌های رایج از اندیشهٔ سیاسی مارکس و غفلت از محوریت جامعهٔ مدنی در نزد مارکس صحبت کرد. به نظر او برای تغییر به شکلی از قدرت نیاز هست، اما این شکل باید برخاسته از ارادهٔ اکثریت و به صورت دموکراتیک باشد.

خلاصه سه روز گرم و دلپذیر و سرشار از بحث و گفتگو در پایتخت مالی جهان، که آیندهٔ همهٔ تضادهایی است که جهان معاصر با آن

دست به گریبان است. تلاش راست در سرپوش گذاشتن و پنهان کردن این تضادهاست. و تلاش چپ در آشکار کردن و نقد بی‌امان آنها، و همین‌طور در ایمان به امکان و ضرورت تغییر.^۴

محمد اسکندری

* برای اطلاع بیشتر از فوروم چپ رجوع کنید به سایت رسمی آن:

<http://www.leftforum.org>

شهری و اجتماعی را دربرمی‌گرفت. در این میزگردها مجموعاً ۳۲۰ مقاله ارائه شد و ۳۳۳ نفر در همایش شرکت داشتند. علاوه بر میزگرد، نمایش فیلم‌های مستند و جلساتی برای شعرخوانی و مناظره و مصاحبه علمی نیز ترتیب داده شده بود. کنسرت موسیقی مشروطه و نمایشنامه‌ای درباره انقلاب مشروطه نیز از برنامه‌های جنبی این همایش بودند.

در میزگرد تحولات شهری در ایران در بعدازظهر روز سیزدهم مردادماه پنج مقاله تماماً از طرف پژوهشگران ایرانی ارائه شد. مسؤول میزگرد کاوه احسانی جغرافی‌دان و پژوهشگر دانشگاه ایلینویز در شیکاگو بود و مفسر و منتقد آن نیز برنارد اورکارد، استاد دانشگاه سوربن و بنیان‌گذار گروه پژوهشی جهان ایرانی و مشاور مؤسسه فرانسوی مطالعات ایرانی در تهران. در ذیل خلاصه‌ای از سخنرانی‌های انجام شده در میزگرد ارائه می‌شود:

در جستجوی بهشت زمینی: عدالت فضایی در شهرهای ایران

این مقاله را کمال اطهاری اقتصاددان و پژوهشگر آزاد ارائه و این‌گونه آغاز کرد که عدالت اجتماعی در شهر یا دسترسی عادلانه و برابر به مسکن و تسهیلات شهری، به عنوان یکی از حقوق و توقعات پایه شهروندان پیش و پس از انقلاب ۵۷ همواره یکی از عناصر

تحولات شهری در ایران پس از انقلاب در همایش دوسالانه مطالعات ایرانی

همایش ششمین دوسالانه مطالعات ایرانی در تاریخ سوم تا پنجم آگوست ۲۰۰۶ مطابق با دوازدهم تا چهاردهم مردادماه ۱۳۸۵ در محل مؤسسه مطالعات خاورمیانه دانشگاه لندن برگزار گردید. در این همایش که یکی از گسترده‌ترین و پربارترین همایش‌های مطالعات ایرانی در سال‌های اخیر بود، عمده پژوهشگرانی که در حوزه مطالعات ایرانی کار می‌کنند، چه از داخل ایران و چه از خارج، اعم از ایرانی و غیرایرانی شرکت کرده‌بودند. همایش از ۸۸ میزگرد مستقل تشکیل شده بود که اعم موضوعات مربوط به ایران از هنر و ادبیات و تاریخ گرفته تا اقتصاد و مسائل